

# مقایسه ساختاری عناصر حماسی در شعر معاصر ایران «با تکیه بر اشعار مهدی اخوان ثالث، محمدرضا شفیعی کدکنی، سیاوش کسرای و نیما یوشیج»

اسلام اسلامی\*

دکتر امیرحسین ماحوزی\*\*

دکتر محمود طاووسی\*\*\*

## چکیده

مظاهر عصر حاضر که عصر شتاب نام گرفته به سبب عوامل متعددی چون آشنایی با ادبیات غرب، عینی شدن آموخته‌های بشری، عدم توجه به مفاهیم انتزاعی و... در بسیاری از موارد با حماسه‌پردازی تناقض دارد. با این وجود در میان شاعران پیشتاز معاصر، شعله و شراره‌های اشتیاق به این مقوله هیجان‌انگیز، همچنان روشن است. مقاله حاضر، مطالعه و بررسی اشعار شاعران معاصر است که دوره‌ای مشترک از تحولات و تطورات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی را درک نموده و توانستند با جستاری متأملانه در آثار شاعران حماسه‌سرای ایران، فراخور بضاعت علمی و ادبی، به گونه‌ای هدفمند و آگاهانه عناصر حماسی و اسطوره‌های ملی را در پهنه پهنای اشعار خود وارد نمایند و با ارایه نظرات نوین و امروزی به بازآفرینی هنرمندانه این عناصر بپردازند. این مقاله به دو بخش تقسیم شده است. در بخش اول سعی شده با ارایه نمودار، به مقایسه عناصر حماسی در شعر هر کدام از شاعران - با تکیه بر مجموعه اشعار آنها پرداخته شود و میزان بسامد این عناصر مورد واکاوی قرارگیرد. در بخش دوم نیز سعی گردید تا ضمن ارایه نمودار به مقایسه میزان نگرش شاعران این مقاله به مفاهیم و اشارات حماسی پرداخته شود.

## واژه‌های کلیدی

عناصر شعر، حماسه، بسامد، ساختار شعر، شعر معاصر

---

\* دانشجوی دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، ایران. (نویسنده مسؤول)

\*\* استاد و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور، ایران.

\*\*\* استاد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رودهن، گروه زبان و ادبیات فارسی، رودهن، ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۶/۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۱۱

## مقدمه

«در شناختن خصایص نژادها و ملل جهان و چگونگی مدنیت و مجاهدات و رنج‌های ایشان در تکوین تمدن و ملیت، منظومه‌های حماسی و ملی یکی از بهترین وسایل تحقیق است و از این روی بر هر ملتی تحقیق در داستان‌ها و منظومه‌های حماسی خود و یافتن ریشه و بنیاد آن‌ها واجب است» (صفا، ۱۳۹۰: ۱۵)

حماسه از قدیمی‌ترین انواع ادبی است و ملل مختلف همواره سعی نموده‌اند تا با به کارگیری حماسه در آثار خود فرهنگ و هویت قومی و ملی جامعه خود را تحکیم بخشند. حماسه در ادبیات فارسی انعکاس گسترده‌ای دارد و همواره پل ارتباطی میان گذشته و حال است، با تأمل در آثار شاعران بزرگ به ویژه از فردوسی به بعد میزان بهره‌جویی هدفمند و آگاهانه از عناصر حماسی در جهت تبیین اهداف بلند انسانی و اجتماعی کاملاً آشکار است. شاعران معاصر نیز با کارکردهای گوناگون اعم از سیاسی، اجتماعی، عاطفی و مضمون‌سازی از این نوع ادبی بهره گرفته‌اند.

این مقاله به دو بخش تقسیم شده است. در بخش اول سعی شده با ارایه نمودار، به مقایسه عناصر حماسی در شعر هر کدام از شاعران، با تکیه بر مجموعه اشعار آن‌ها، پرداخته شود و میزان بسامد این عناصر مورد واکاوی قرار گیرد. در بخش دوم نیز تلاش شده است تا ضمن ارایه نمودار به مقایسه میزان نگرش شاعران این مقاله به مفاهیم و اشارات حماسی پرداخته شود.

بخشی از رسالت این مقاله آن است که دریابیم هر کدام از شاعران معاصر- مهدی اخوان ثالث، محمدرضا شفیعی کدکنی، سیاوش کسرایی و نیما یوشیج- از چه زمانی و چه سنی به سمت و سوی عناصر حماسی و اسطوره‌های ملی گرایش یافتند و بسامد این عناصر در شعر کدام یک از آن‌ها بیشتر است.

هدف این رساله بررسی عناصر حماسی در شعر شاعران معاصر است که در دوره حیات شاعری خود تحولات سیاسی و اجتماعی را درک نموده و واکنش نشان داده‌اند. می‌خواهیم دریابیم که شاعران مورد نظر تا چه اندازه توانستند واقعیت ابهام‌آمیز گذشته را در رگ‌های رشد کج قواره عقلانیت در جامعه مدرن امروزی تزریق نمایند.

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال چهاردهم ❖ شماره ۳۲

## پیشینه تحقیق

در باره حماسه در شعر معاصر ایران کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌های متعددی که حاوی تحقیقات پژوهش‌گرایانه‌ای است منتشر شده است. در فصل چهارم کتاب چشم‌انداز شعر نو فارسی (زرین‌کوب، ۱۳۵۸، ۲۰-۲۱۹) تعریف شعر نو حماسی، ویژگی‌های آن و تفاوت آن با شعر تغزلی و ویژگی اشعار شاعرانی که به سرودن شعر حماسی-اجتماعی پرداختند بررسی شده است. در کتاب طلا در مس (براهنی، ۱۳۸۰) جنبه‌های حماسی شعر نو-نیما و پیروان آن - تشریح گردید. انسان در شعر معاصر (مختاری، ۱۳۷۲) نیز اثری در خور توجه است. مختاری به مقوله حماسه و رویکرد شاعران پرداخته است. از شاهنامه تا خدای‌نامه (جلال خالقی مطلق، ۲۰۰۹)، ستیز و حماسه و شعر معاصر (فرزین ناجی، ۱۳۸۳) و مقالات متعددی نیز در باره حماسه در شعر معاصر نوشته شده که می‌توان به مقاله‌نگاهی انتقادی به جریان‌شناسی شعر معاصر ایران (پورنامداریان، ۱۳۸۴)، کارکرد حماسه در دوران معاصر با استناد به شعر معاصر ایران (زارع و رضوی، ۱۳۹۰)، صبغه حماسی در شعر معاصر فارسی (انزایی‌نژاد، ۱۳۸۰)؛ حماسه نو در شعر شاملو (جبری، ۱۳۹۱)، تأثیرپذیری ملک‌الشعرا بهار از فردوسی (صادقی، یاحقی ۱۳۹۰)، پیوند بینامتنی منظومه آرش کمانگیر کسرایی و خوان هشتم اخوان ثالث (قاسمی ۱۳۹۴)، آرش سیاوش و میدان ادبی ایران (رویانی، ۱۳۹۳) بررسی و تحلیل ویژگی‌های محتوایی و زبانی اشعار حماسی سیاوش کسرایی (محمدپور، ۱۳۹۵)، بررسی جنبه‌های نوین حماسی در شعر نیما یوشیج (امینی، ۱۳۹۱) و از میان رساله‌های دانشگاهی پایان‌نامه حماسه در ادبیات معاصر (غفاریان، صرافیان، ۱۳۷۶) اشاره نمود که هر کدام از نوشته‌های فوق می‌تواند در ادب معاصر مفید باشد.

آن چه در باره کتاب‌ها و مقالات متعدد - که برخی از آن‌ها در این قسمت درج گردیده - می‌توان بیان نمود این است که بیشتر نویسندگان در پژوهش‌های خود به تحلیل محتوای زبانی، صور خیال، موسیقی اشعار حماسی و اسطوره‌ای شاعران معاصر پرداخته‌اند، و به مقوله ساختار عناصر حماسی در مجموعه اشعار شاعران و مقایسه این عناصر در شعر شاعران معاصر پرداخته نشده است. در این مقاله کوشش اصلی بر این است که عناصر حماسی و ملی که

تاکنون زنده و پویا مانده‌اند و به ویژه ذهن شاعر درگیر آن‌ها شده، مورد بررسی قرار گرفته و میزان بسامد آن در مجموعه‌های شعری هر کدام از شاعران به طور جداگانه مورد مذاقه قرار گیرد پس از آن به مقایسه این عناصر میان اشعار شاعران و میزان بهره‌گیری آن‌ها پرداخته که در نوع خود کار تازه‌ای به شمار می‌رود.

### مقایسه ساختاری عناصر حماسی با تکیه بر مجموعه اشعار شاعران

از رسالت این بخش آن است که دریابیم هر کدام از شاعران مورد بحث این مقاله - مهدی اخوان ثالث، محمدرضا شفیعی کدکنی، سیاوش کسرایی و نیما یوشیج - از چه زمانی و چه سنی به سمت و سوی عناصر حماسی و اسطوره‌های ملی گرایش یافتند و ساخت و پرداخت حماسه، در اشعار آن‌ها تا چه میزان منطبق با مقتضیات و نیازهای جامعه و تحولات اجتماعی آن بوده است.

#### مهدی اخوان ثالث

مهدی اخوان ثالث شاعری را از دوره نوجوانی - هفده هجده سالگی - آغاز کرد. وی در مدت حیات خویش نه دفتر شعر را به یادگار گذاشت. نخستین مجموعه شعری وی «ارغنون» نام دارد که در سن ۲۳ سالگی شاعر - در سال ۱۳۲۹ - انتشار یافت. این مجموعه شامل ۸۵ غزل ۱۳۰ قصیده، ۴۲ قطعه، ۷ رباعی، ۵ مثنوی و ۲ ترکیب‌بند است. «در این مجموعه کوشش او برای یافتن راهی دیگر احساس می‌شود اما هنوز بدین راه نرسیده است و همچون پروانه‌های بهاری بر شاخه‌ای می‌رسد و باز پرواز می‌کند و در افقی دیگر بال می‌گشاید.» (شفیعی، ۱۳۷۰: ۶۸)

غالب مضامین این مجموعه عاشقانه و سنتی است. این مجموعه که حاصل دوره ناپختگی و بی‌تجربگی شاعر است، اگرچه از نظر عناصر حماسی بی‌بهره نیست اما سطحی و گذراست. اخوان مجموعه زمستان را در سن ۲۹ سالگی منتشر می‌سازد این مجموعه به دو بخش تقسیم می‌شود، نیمه اول مجموعه زمستان - که غالباً قبل از کودتا سروده شده است - از نظر مضامین قدری نوگرایی در آن وجود دارد، اما اخوان نتوانست هنوز خود را از فضای سنتی

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال چهاردهم ❖ شماره ۳۲

دور کند. معمولاً اشعار این نیمه چهار پاره و به گونه تغزلی است، گویا غزلیات ارغنون به زمستان کشیده شده است شاعر تازه وارد عرصه‌های سیاسی جامعه شده است و امیدوارانه مردم را به مبارزه دعوت می‌کند، اما اخوان از نیمه دوم زمستان به بعد از فضای سستی که بر اشعارش حکومت می‌کرد کناره می‌گیرد و به شیوه‌ای نو روی می‌آورد. از نیمه دوم زمستان اشعار اخوان لحنی حماسی به خود می‌گیرد. «وی [در این مجموعه] دنیای حماسه را، که در حال فراموشی بود، احیا کرد.» (زرین‌کوب، ۱۳۷۰: ۹۵) اخوان در سرایش شعر حماسی - مانند دیگر حماسه‌پردازان - به اطناب روی می‌آورد و در توصیف صحنه‌ها هیچ نگفته‌ای را باقی نمی‌گذارد. نمونه آن را در شعر «طلوع» و «پنجره باز است» می‌توان یافت.

روی هم رفته در مجموعه «زمستان» گرایش فراگیری از شاعر در به کارگیری عناصر حماسی نمی‌بینیم اما آن مقدار که هست کیفی‌تر و پخته‌تر است و شاعر اهداف خاصی را - از چه کم رنگ - دنبال می‌کند، شاعر در این مجموعه در قالب و مفهوم از سنت دور می‌شود و به سمت و سوی نوگرایی پیش می‌رود.

م. امید در ۳۲ سالگی - ۱۳۳۸ - مجموعه «آخر شاهنامه» را منتشر می‌سازد. عناصر حماسی این مجموعه - صرف‌نظر از کمیت - از نظر کیفی «برداشت نو و امروزی» قابل مقایسه با مجموعه‌های قبلی نیست. به گونه‌ای که روح حماسی در تمامی این دفتر جریان دارد. «اخوان در این مجموعه با استفاده از زبان حماسه و تراژدی خراسانی در سبک نوین به تجربه‌ای تازه دست می‌زند» (آشوری، ۱۳۷۰: ۱۷۳). وی در این مجموعه به گونه‌ای باورمندانه از عناصر حماسی مدد می‌گیرد و مضامین امروزی و نوینی را می‌آفریند. بنا بر گفته فروغ فرخزاد «آخر شاهنامه نامی کنایه‌آمیز است، کنایه‌ای بر آنچه گذشت، بر حماسه‌ای که به آخر رسید، آشیانی که در باد لرزید، رهروی که جای قدم‌هایش را برف‌ها پوشاندند.» (فرخزاد، ۱۳۷۰: ۷۶) این شیوه در مجموعه «از این اوستا» که در سن ۳۸ سالگی چاپ گردید به اوج خود می‌رسد. اخوان در این دفتر «جز غزل چهارم» از عشق سخن نمی‌گوید چرا که در اندیشه مصائبی است که بر جامعه وارد شده است وی سعی کرد تا نگرانی‌های خود - که به خاطر ناامیدی‌های مکرر بر او مستولی گردید - را با التجا به گذشته باشکوه مرتفع سازد. «اخوان در این مجموعه

– شاید از مجموعه زمستان به بعد – شاعر یک شکست نیست، شاعر شکست‌ها است. چگونه؟ من گمان نمی‌کنم که اخوان به تاریخ تطوری و تحولی اعتقادی داشت. اعتقاد اخوان به تاریخ ادواری بود: شکست پس از صف‌آرایی، بعد از مبارزه، بعد شکست، این تسلسل بارها در شعرهای اخوان تکرار می‌شود، «کتیبه» یکی از آنهاست، «قصه شهر سنگستان» یکی دیگر، «آن گاه پس از تندر» یکی دیگر و «ناگه غروب کدامین ستاره» یکی دیگر. (براهنی، ۱۳۷۹: ۱۴۲) در مجموعه «در حیاط کوچک پاییز در زندان» – که زمان سرایش و انتشار آن متفاوت است – بسامد عناصر حماسی از تمام مجموعه‌های شعری اخوان بیشتر است اما کیفیت و نگاه نو «آخر شاهنامه» و «از این اوستا» را ندارد. «اخوان در این مجموعه بیشتر روایت‌گر وقایع ساده‌ای است که برخی از آن‌ها در زندان می‌گذرد...» (محمدی، ۱۳۸۰: ۱۹۲)

اخوان در ۵۰ سالگی دو دفتر شعر خود «دوزخ اما سرد» و «زندگی می‌گوید اما باز باید زیست» را منتشر می‌سازد. در این دفتر عناصر حماسی از نظر بسامد و کیفیت کم‌رنگ می‌شود، زبان شعری اخوان نیز لحن و شیوه حماسی – آن گونه که از او سراغ می‌رود – را ندارد. تنها یک قطعه از مجموعه «زندگی می‌گوید اما باز باید زیست» دارای عناصر حماسی است، آن جا که اخوان به دختری کرد اشاره می‌کند که سهراب را شکست خواهد داد، و از او می‌خواهد که از گریستن دوری گرداند.

با توام من، ای دختر جان!

شیر دختر، ای شکوفه میوه‌دار ایل

تیپوی شاهین شکار کرد!

که به تازی از کمند گیسویت‌گیری

صد چنان سهراب یل را، آن که نتوانست

نازنین گردآفرید گرد

گرچه می‌دانم گریه تسکین می‌دهد دردت.

لیک، دختر جان، نبینم رو بگردانی به گرییدن. (اخوان، ۱۳۸۱: ۲۳۴)

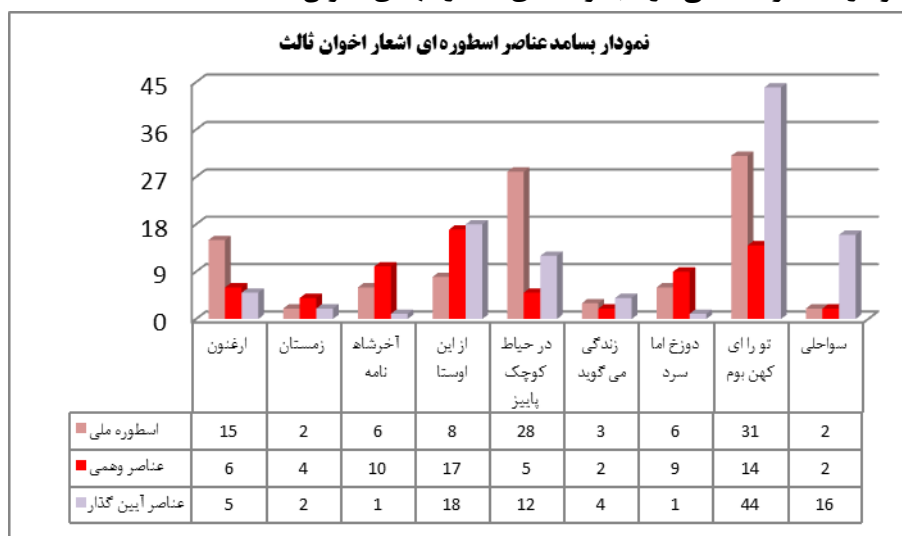
وی در این دو مجموعه به گونه‌ای قصه‌وار و روایت‌گونه به وقایع زندگی شخصی - و گاه اجتماعی - می‌پردازد.

اخوان در واپسین سال زندگی خود در سن ۶۱ سالگی «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» را به چاپ می‌رساند. حجم مجموعه بالاست و اشعار آن از یک‌دستی برخوردار نیست با این وجود در غالب موارد مضامین نو و امروزی از حماسه و اسطوره دارد. «خلاصه این مجموعه با همه ناهماهنگی‌ها و گاه نابسامانی‌ها و با همه فراز و فرودها، مجموعه‌ای است از فلسفه، عرفان، فرهنگ بومی و ملی، تعریض و انتقادهای سخت و دلیرانه، طنزها و شوخی‌های شیرین در مجموع بسیار متنوع و خواندنی» (بهبانی، ۱۳۷۹: ۱۶۶)

مجموعه سواحلی در سال ۱۳۸۰ با همت فرزندان اخوان به چاپ می‌رسد. این مجموعه از نظر عناصر حماسی بسامدی اندک اما از حیث عناصر اسطوره‌ای حایز اهمیت است.

با توجه به توضیحات بالا و نمودار زیر درمی‌یابیم که نگرش و بینش حماسی در تمام مجموعه‌های شعری اخوان جلوه یافته است اما اوج قدرت شاعری اخوان از سن ۲۸ سالگی - سال انتشار مجموعه زمستان - تا ۴۱ سالگی - سال نشر پاییز در زندان - است. در این دوره هم مضامین تازه و نو می‌شود و هم از نظر کمی عناصر فراوانی حضور می‌یابند. پس از آن اگرچه از نظر کمی حضور قابل ملاحظه‌ای را در اشعارش می‌بینیم اما عمق و کیفیت اشعار این دوره را ندارد تا اینکه در سال‌های پایانی عمر خود با انتشار مجموعه «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» مجدداً نگاه گذشته را می‌یابد و مضامین حماسی و اسطوره‌ای را به حضور در شعر فرا می‌خواند.

## نمودار عناصر حماسی در مجموعه‌های اشعار مهدی اخوان ثالث



## محمد رضا شفیعی کدکنی

محمد رضا شفیعی کدکنی در سن ۲۶ سالگی - ۱۳۴۴ - مجموعه شعر «زمزمه‌ها» را چاپ و منتشر ساخت. زمزمه‌ها در قالب غزل و به سبک و سیاق کهن - به ویژه سبک هندی - سروده شده است. «زمزمه‌ها [ که ] نخستین دفتر شعری م. سرشک و شاید از نظر قلب و قالب ضعیف‌ترین دفتر شعری اوست» (بشردوست، ۱۳۸۶: ۱۵۱)، فاقد عناصر حماسی مؤثر است. شفیعی همزمان با چاپ و انتشار این مجموعه، «با تأثیر از شاعر پیش‌کسوت هم‌شهری خود، اخوان ثالث» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۱: ۱۱) مجموعه «شب‌خوانی» را انتشار می‌دهد. م. سرشک در این مجموعه هم از لحاظ زبان و هم از نظر اندیشه‌های شاعرانه مسیر اخوان را می‌پیماید. اگر نگاهی گذرا به برخی از اشعار این مجموعه مثلاً هفت‌خوان - داشته باشیم می‌بینیم که همان طنین و سبک خراسانی و رگه‌های یأس و ناامیدی، حتی استفهام‌های مکرر و معترضانه که در اشعار اخوان تجلی یافته در اشعار او نمایان است. این مجموعه حاوی عناصر حماسی و اسطوره‌های ملی فراوانی است. وی هم از نظر زبانی و هم از لحاظ ارایه تصاویر شاعرانه سبک و سیاق حماسی به خود می‌گیرد.

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال چهاردهم ❖ شماره ۳۲



م. سرشک در ۲۹ سالگی - ۱۳۴۷- «از زبان برگ‌ها» را می‌سراید. وی در این دفتر با به کارگیری عناصر طبیعت و آمیختگی آن با مفاهیم تمثیلی، اندیشه‌های بلند انسانی و اجتماعی خود را بیان می‌دارد. اگرچه عناصر حماسی در این دفتر کم‌رنگ‌تر از شبخوانی است اما زبان شعری این دفتر زبانی حماسی بوده و روحی حماسی را در خود سرشته است.

در سال ۱۳۵۰ در ۳۲ سالگی «در کوچه باغ نیشابور» به زیور طبع آراسته می‌گردد. مجموعه‌ای موفق که تا سال ۱۳۵۷ بارها تجدید چاپ شد. عناصر حماسی این مجموعه بیشتر از مجموعه از «زبان برگ‌ها» و کم‌تر از «شبخوانی» است. در سال ۱۳۵۶ در سن ۳۸ سالگی مجموعه «مثل درخت در شب باران» را انتشار می‌دهد. عناصر حماسی این دفتر نسبت به مجموعه‌های قبلی کم‌تر است. از مهم‌ترین علل عدم حضور این عناصر این است که وی جلای وطن نموده و در خارج از کشور مقیم گردیده به همین سبب است که پای غالب اشعار این مجموعه نام اکسفورد، پرینسون، لندن و تاریخ میلادی رقم خورده است. روح غنایی این دفتر بیشتر جلوه نموده است.

«از بودن و سرودن» و «بوی جوی مولیان» نیز کارنامه ۳۸ سالگی شاعر است. لحن حماسی مجموعه «از بودن و سرودن» در خور توجه است. اما بسامد آن شبیه «مثل درخت در شب باران» اندک است. «بوی جوی مولیان» نیز حاوی اشعاری از غم غربت و دلتنگی‌های واقعی و عینی م. سرشک است. عناصر حماسی این دفتر از بسامد بالاتری نسبت به مجموعه‌های ۳۸ سالگی شاعر برخوردار است.

روی‌هم‌رفته در مجموعه «آینه‌ای برای صداها» که شامل هفت دفتر شعری اوست، به غیر از شبخوانی - که به گونه تقلیدی سروده است و عناصر حماسی فراوانی دارد - نگاه منطقی و متوسطی نسبت به مقوله‌های حماسی دارد.

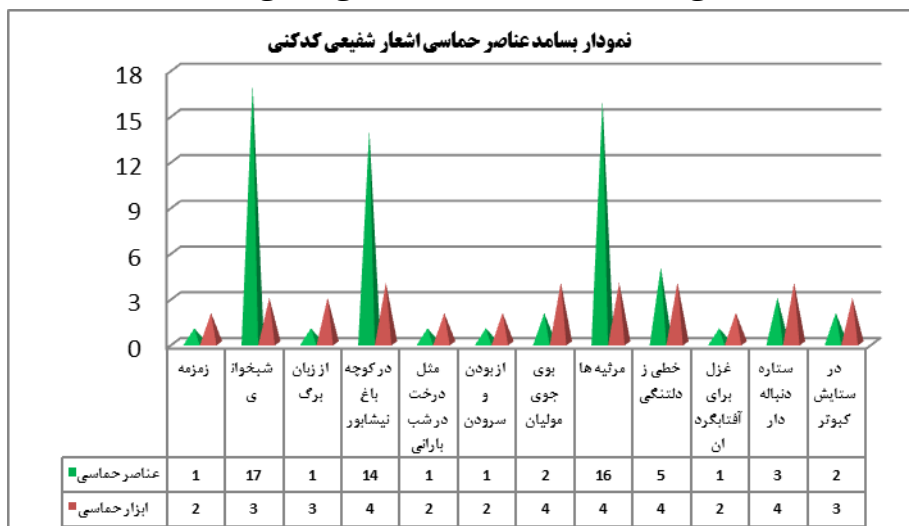
بررسی و تحلیل عناصر حماسی در مجموعه «هزاره دوم آهوی کوهی» که شامل ۵ دفتر شعری اوست را نمی‌توان بر اساس سن شاعر مورد بررسی قرار داد. چرا که وی در هنگام انتشار این مجموعه ترتیب سرایش را بر هم زده است. به گونه‌ای که ممکن است سال سرایش شعری در این مجموعه به دهه ۵۰ و شعری دیگر به دهه ۶۰ یا ۷۰ برگردد از سویی دیگر

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال چهاردهم ❖ شماره ۳۲

ممکن است در شعری از یکی از دفاتر این مجموعه حضور عناصر حماسی بسیار پررنگ و در شعری دیگر از همان دفتر فاقد آن عناصر باشد؛ مثلاً در مجموعه «مرثیه سرو کاشمر» در شعر «جاودان خرد» شفیعی از عناصر حماسی فراوانی مدد می‌گیرد تا اندیشه و آمال خود را بازگو نماید و در شعر دیگر «ساعت شنی» از همان دفتر فاقد عناصر حماسی است و هم از نظر سبک سرایش متفاوت است.

سخن پایانی در تحلیل نمودار زیر آن است که محمدرضا شفیعی کدکنی در تمام دوره‌های زندگی خود با زبان حماسی مانوس بود اما در سنین جوانی از ۲۶ تا ۴۰ سالگی شاعر، دلایل متعددی نظیر تحولات اجتماعی، جوانی، تأثیرپذیری از شاعران هم‌عصر و... سبب گردید تا این عناصر جلوه و جلای بیشتری یابند. وی در حیات شاعری خود توانست زبانی درخور احیای حماسه و اسطوره را برای خدمت به فرهنگ مردمان روزگار خود برگزیند و با پرداختن مناسب و مضمون‌آفرینی و ترکیب‌سازی‌های زیبا مخاطبان فراوانی را به سمت دنیای روح‌نواز و خیال‌انگیز روزگاران رمزآلود و مقدس گذشته ایران نزدیک نماید.

#### نمودار عناصر حماسی مجموعه اشعار محمدرضا شفیعی کدکنی



## سیاوش کسرای

«کسرای تقریباً دیرتر از شاعران هم‌نسل و روزگارش به نشر دفتر از سروده‌هایش پرداخت» (عابدی، ۱۳۷۹: ۷۶) وی در حیات شاعری خود توانست ۱۶ مجموعه شعر را به چاپ برساند. مجموعه نخست شعری وی «آوا» نام دارد که کسرای آن را در سن ۳۱ سالگی - در سال ۱۳۳۶ - منتشر ساخت هرچند که طنین حماسی همراه با اندیشه نو در این دفتر حایز اهمیت است اما روحی فردی، که بیانگر فکر و فلسفه خاص زندگی اوست، بیشتر جلوه نموده است به طوری که عناصر حماسی به ندرت یافت می‌شود. جز عنصر حماسی گرد و رویتن و ابزار حماسی خنجر - آن هم با بسامد اندک - مورد دیگری دیده نمی‌شود.

در سال ۱۳۳۸ و در سن ۳۳ سالگی مجموعه «آرش کمانگیر» که «معروف‌ترین و فراگیرترین شعر فارسی از زمان پیدایش شعر نو تا سال ۵۷ است» (لنگرودی، ۱۳۸۴ ج ۲: ۴۹۳) را انتشار می‌یابد، کسرای در واکنش به وقایع جامعه کودتای ۲۸ مرداد و حوادث بعد از آن - شیوه‌ای تأثیرگذار را برگزید به گونه‌ای که بنا بر اعتقاد برخی صاحب‌نظران «نخستین منظومه حماسی که در ایران به سبک جدید و با دیدی نو سروده شده است» (شریفی، ۱۳۹۱: ۸۹) را به مخاطب تقدیم نموده است. این شعر اوج امید سیاسی و اجتماعی کسرای در زمان ناامیدی و شکست است. عناصر حماسی چون آرش، ایرانشهر، درفش کاویانی، توران و ابزار حماسی مانند پیکان، کمان، تیر و... که فضا و میدان مبارزه را در اذهان خواننده تداعی می‌کند و عناصر اسطوره‌ای مانند اهریمن، آتش، البرز و... در این مجموعه کم نیستند، زبان شعر نیز لحن و بیان حماسی به خود گرفته است.

«خون سیاوش» در سال ۱۳۴۱ و در سن ۳۶ سالگی شاعر انتشار یافت. «خون سیاوش که از خود شاعر نام گرفته، یادآور داستانی کهن نیز هست - شاید این شعرها نیز شاخه‌هایی است که از خون سیاوش رسته و نمودار داغی است که هنوز تازه است و سوگند پهلوانان را به یادشان می‌آورد (سایه، ۱۳۴۱) شاعر تصورات و آرمان‌های سیاسی، اجتماعی و تاریخی خود را گاه با فریادی ناامیدانه و حزن‌آلود و گاه با آینده‌ای امیدوار بیان می‌دارد. برخی از اشعار این مجموعه مانند «اندوه سیمرغ» دارای بن‌مایه‌ای حماسی است و برخی دیگر از اشعار این دفتر،

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال چهاردهم ❖ شماره ۳۲

اگرچه شالوده‌ای حماسی ندارد، اما از عناصر حماسی مهمی برخوردار است. روی هم رفته عناصر حماسی و پهلوانی چون افراسیاب، بیژن، رستم، سیاوش، هفت خوان، رخس و... به مجموعه «خون سیاوش» جلوه و جلای خاصی بخشیده است.

کسرایی در سال ۱۳۴۵ و در سن ۴۰ سالگی مجموعه دویستی‌های خود را با نام «سنگ و شب‌نم» منتشر می‌سازد. این مجموعه دارای مضمونی عاشقانه است هرچند که آمیزه‌ای از حسن میهن‌پرستی را نیز در خود دارد اما از عناصر حماسی - جز یک مورد - عاری است.

در ۴۰ سالگی شاعر مجموعه «با دماوند خاموش» نیز به طبع رسید. این مجموعه آمیزه‌ای است از اشعار حماسی و غنایی، در برخی از اشعار این مجموعه نظیر شعر «با دماوند خاموش» و «باور نمی‌کند دل من مرگ خویش را» عناصر حماسی فراوانی حضور دارند. در دیگر اشعار این دفتر نیز کسرایی عناصر حماسی مانند تهمتن، حماسه، تیر و... را دست‌مایه تصویرآفرینی خود قرار داده است.

مجموعه خانگی در سن ۴۱ سالگی و در سال ۱۳۴۶ به چاپ رسید. عناصر حماسی این دفتر اندک است. چرا که شاعر با نگاهی انتقادی به مسایل اجتماعی رو آورده و درگیر عناصر روزمره جامعه است با این حال عناصری چون غول، آتش، ایران، خنجر در این مجموعه به چشم می‌خورد.

کسرایی از ۴۱ تا ۵۰ سالگی خود به دلیل سانسور شدید نتوانست مجموعه‌ای را به چاپ برساند. بنابراین بعد از حدود ۱۰ سال - در سال ۱۳۵۵ - مجموعه کوچک «به سرخی آتش» به طعم رود» را انتشار می‌دهد. این مجموعه سرشار از احساسات تند و غلیظ سیاسی و داغی و دردی است که شاعر با آن برخورد نموده است. عناصر حماسی این مجموعه درخور توجه است. عناصری چون افراسیاب، درفش کاویانی، خون سیاوش، سهراب، رستم، دماوند، جادو و... گاه به گونه گذرا و گاه به مقتضای درنگ‌پذیری حضور یافتند. در سال ۱۳۵۷ در سن ۵۲ سالگی «از قرق تا خروسرخوان» انتشار می‌یابد. این مجموعه که حاصل آخرین تلاش و تکاپوی انقلابی اوست. وی را به عنوان شاعر سیاسی نوگرایی معاصر معرفی می‌کند. این دفتر با توجه به حال و هوای انقلابی‌اش دارای عناصر حماسی خاصی است که غالباً نگاه و نگرش نوینی را

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال چهاردهم ❖ شماره ۳۲

در پی دارد. عناصری چون وطن، آزادی، درفش، پرچم، زردشت و... به مناسبت حال و مقام تجلی یافته‌اند. یک سال بعد در سن ۵۳ سالگی «آمریکا! آمریکا!» به چاپ می‌رسد، رجزخوانی که از ویژگی‌های عناصر حماسی است با نام‌هایی از ایران، پهلوان، رویین‌تن، اهریمن و... در این مجموعه به کار رفته است.

در سال ۱۳۶۰ - در سن ۵۵ سالگی - «چهل کلید» منتشر می‌گردد. عناصر حماسی این مجموعه کم نیست، به ویژه حضور شعر «خوان هشتم» این عناصر را پررنگ‌تر نموده است. عناصری چون رستم، سهراب، کاوه، خوان هشتم، مزدک، جادو، دیو و... در این مجموعه به چشم می‌خورد. شاعر در سن ۵۶ سالگی - ۱۳۶۳ - بر اثر فشارهای سیاسی از ایران خارج می‌شود و به فاصله دو سال در سن ۵۷ و ۵۸ سالگی «تراشه‌های تبر» و «پیوند» را در کابل به چاپ می‌رساند. در این سال‌ها با شاعری ناامید سروکار داریم. دل‌تنگی غربت، شکست سیاسی و... در ناامیدی او تأثیرگذار بود. با این حال - اگرچه کمتر از مجموعه‌های دیگر - عناصر حماسی و اسطوره‌ای نظیر تهمتن، آتش، غول، رویین‌تن در این دفتر به چشم می‌خورد.

«هدیه برای خاک» یک شعر بلند هشت صفحه‌ای است که در دی ماه ۱۳۶۷ سروده شده و در سال ۱۳۶۸ در لندن منتشر گردید. این شعر فاقد عنصر حماسی است.

«ستاره سپیده دمان» نیز همراه با «هدیه برای خاک» در ۶۳ سالگی شاعر در لندن منتشر شد به غیر از چند عنصر حماسی مانند شمشیر، خنجر، پرچم و چند عنصر دیگر عناصر مؤثر دیگری در این مجموعه نمی‌توان یافت.

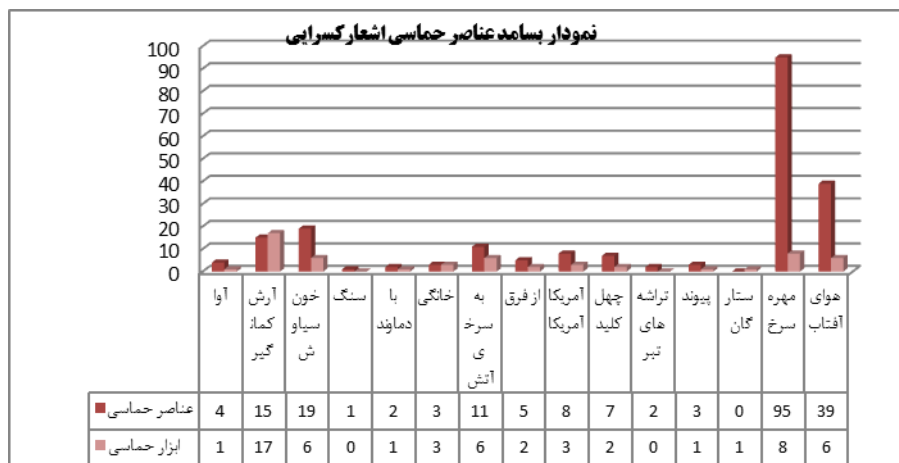
کسرایی در سن ۶۹ سالگی «مهره سرخ» را در وین اتریش منتشر می‌سازد. وی در این مجموعه به بازآفرینی حماسه ملی ایران می‌پردازد. این شعر ویژگی‌های شعر حماسی نظیر خرق عادت، فضاسازی، مؤلفه‌های روایت، زبان حماسی و... را دارد و کسرایی در ۴ پرده و به گونه‌ای بسیار زیبا به تصویر می‌کشد. «در حقیقت می‌توان گفت سیاوش کسرایی شاعر این منظومه، در پی اشتباهات خود و بسیاری از جوانان هم‌سنش و پیوستن به گروه‌ها و احزاب سیاسی و موضع‌گیری‌هایی که از خود نشان داده است و به تبع همه آن‌ها تاوان بزرگی که با غربت و دوری از وطن پرداخته، اکنون در قالب شخصیت سهراب شاهنامه، به توجیه زندگی

گذشته خود نشسته است.» (مددیان پاک، ۱۳۹۲: ۱۹۲۸) عناصر حماسی نظیر اسفندیار، افراسیاب، سهراب، رستم، گردآفرید و... به فراوانی به چشم می‌خورد. شاعر سبک و سیاقی حماسی به خود می‌گیرد.

۱۲ سال بعد از مرگ کسرایی در سال ۱۳۸۱ مجموعه شعر «هوای آفتاب» که حاصل تلاش و همت شاعر گرانقدر ه. الف. سایه - دوست و بانی انتشار آثار کسرایی - است به چاپ می‌رسد. این مجموعه اشعار دهه ۶۰ را در بر دارد. اگرچه سبک این مجموعه رومانستیک است اما عناصر حماسی این مجموعه حائز اهمیت است.

اگر به مجموعه اشعار کسرایی نگاهی کلی بیفکنیم، خواهیم یافت که وی در تمام دوره‌های زندگی خود، فراخور نیاز جامعه و حال و هوای فردی از عناصر حماسی به گونه‌ای منطقی و سازمان‌یافته بهره می‌گیرد. غیر از شعر «آرش کمانگیر» و «مهره سرخ» که اساس و شالوده‌ای حماسی و اسطوره‌ای دارد در بقیه مجموعه‌های خود نیز به گونه متوسط از این عناصر در جهت بیان اندیشه‌های ذاتی و اجتماعی بهره‌مند شده است.

#### نمودار عناصر حماسی اشعار مجموعه‌های سیاوش کسرایی



## نیما یوشیج

تحلیل عناصر حماسی نیما با شکل و شیوه متعارف و مرسوم آن متفاوت است. حضور عناصر حماسی در مجموعه چند صد صفحه‌ای او هم از نظر بسامد و هم از نظر کیفی چندان عمیق و پر رنگ نیست. آنچه که سبب گردید تا نیما در گروه حماسه‌گرایان ایران قرار گیرد بیشتر حضور موجودات وهمی نظیر غول، اهریمن، اژدها، دیو، قاف و... است. این عناصر توانستند در کنار ابزار حماسی مانند تیر، کمان، خنجر، شمشیر و... که در اشعار وی از بسامد بالایی برخوردار است - یادآور نزاع و ستیز روزهای نخستین جامعه بشری گردد. روزهایی که این رویاها و تمنیات قلبی به یاری مردم می‌شتافتند تا ضمیر خودآگاه آنان بر پلیدی‌ها چیره گردد.

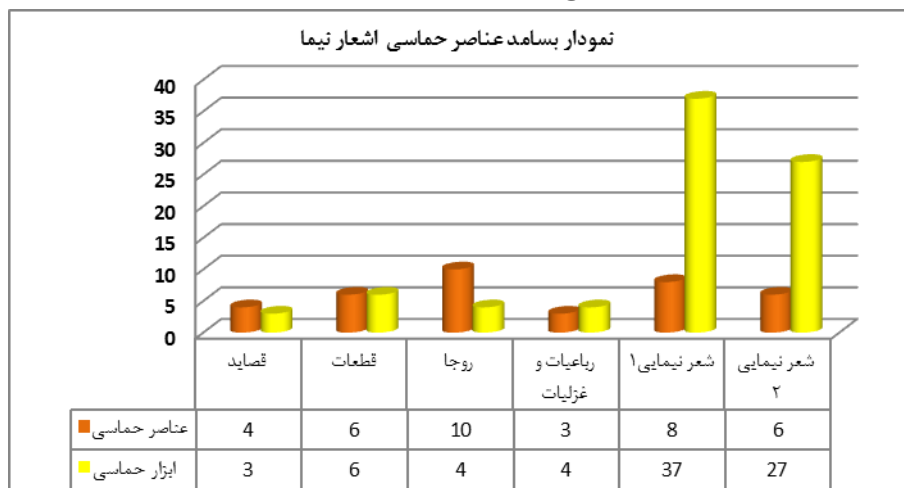
برای بررسی و واکاوی حضور عناصر حماسی اشعار نیما ناچاریم مجموعه اشعار وی را بر اساس قالب اشعار تقسیم نماییم چرا که آن دسته از اشعار که به سبک و سیاق کهن سروده شده است - با توجه به حجم کم اشعار نسبت به قالب نو و نیمایی - از عناصر ملی بیشتری برخوردار است. مجموعه اشعار نیما در قالب قطعات، قصاید، غزلیات، رباعیات و مجموعه شعر مازندرانی «روجا» با توجه به فضای حاکم بر اشعار حضور عناصر ملی هم پررنگ‌تر و هم کیفی‌تر است. اشعار دیگر نیما نیز به دو قسمت اشعار بلند افسانه، قصه رنگ پریده، خانه سریویلی، پی دار و چوپان، خانه سرباز، سرباز فولادین، قلعه سقریم، شهریار، مانلی، پادشاه فتح که در نمودار زیر به صورت شعر نیمایی ۱ و اشعار کوتاه - بقیه اشعار نو و نیمایی - به صورت شعر نیمایی ۲ تقسیم، و هر کدام در نموداری مجزا نشان داده شده است.

تقسیم‌بندی اشعار نیما به شش ستون تا حدودی شش دوره از زندگی او را نیز شامل می‌شود چرا که وی در دوره جوانی - اگرچه کم و بیش به سرودن اشعاری تازه و نوین روی آورد - اما بیشتر در قالب قطعه، غزل، قصیده شعر می‌سرود و اشعار نو و سبک نیمایی وی محصول دوره میان‌سالی و پختگی و دوره پایانی زندگی اوست نیما مجموعه روجا را نیز در حدود میان‌سالی و پایانی حیات خود سروده است.

از آن جایی که حضور ابزار حماسی سبب گردید تا شعر نیما طنینی حماسی به خود گیرد

و از سویی دیگر عناصر حماسی ملی در شعر وی حضوری پررنگی ندارد، به ضرورت در نمایش نمودار ابزار حماسی را مورد لحاظ قرار داده و ستونی مجزا برای آن در نظر گرفتیم.

#### نمودار مجموعه اشعار نیما یوشیج



#### بررسی علل گرایش و مقایسه بسامد عناصر حماسی در اشعار شاعران مقاله

در قسمت نخست این بهره، موارد اشتراک شاعران این مقاله و علل گرایش آن‌ها به حماسه‌پردازی مورد بررسی قرار گرفته و در قسمت دوم میزان حضور عناصر حماسی ریشه‌دار گذشته در اشعار شاعران این رساله مورد واکاوی قرار می‌گیرد.

#### علل گرایش شاعران به عناصر حماسی

##### الف) تحولات اجتماعی

مهم‌ترین عاملی که سبب گردید تا شاعران این رساله به ایران باستان پناه آورند تحولات جامعه و واکنش‌های آن‌ها نسبت به آن حوادث بود. به عنوان نمونه می‌توان به حادثه ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ اشاره نمود. با بررسی اشعار قبل از کودتا در می‌یابیم که در نگاه تیزبینانه و خیال‌اندیش و گاه زودرنج شاعران معاصر، آرمان‌گرایی و امیدواری حضوری مستمر دارد اما

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال چهاردهم ❖ شماره ۳۲



شکست‌های پیاپی و خیانت رهبران نهضت سبب شد تا شاعران - امیدوارانه یا ناامیدانه - به ایران قبل از اسلام پناه آورند و آن را التیام آلام خود قرار دهند. آن‌ها تلاش می‌کنند تا از پهلوانان ملی و اسطوره‌ای ایران نظیر رستم، بیژن گیو، گودرز و..... مدد گیرند تا امیدی دوباره را در ذهن جامعه تزریق نمایند، به این امید که با یاری پهلوانان نو، انیران را فرو کوبند و غبار از روی درفش کاویانی بزدایند.

#### ب) عشق به ایران

عشق به ایران - به ویژه ایران قبل از اسلام- در شعر شاعران این رساله انعکاس فراوانی یافته است. مجموعه «تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم» اخوان ثالث، «مهره سرخ» سیاوش کسرای، مجموعه «روجا» نیما یوشیج و «هزاره دوم آهوی کوهی» به ویژه شعر «جاودان خرد» شفیع کدکنی نمونه‌ای از عشق و در عین حال تعهد شاعران به این اشتیاق است. این دل‌باختگی آن‌ها را به سوی دوران شکوه و باعظمت دیرین ایران سوق می‌دهد و سبب می‌گردد هر عنصری که با وطن پیوند داشته باشد در اشعارشان تجلی یابد. عناصر حماسی، اسطوره‌ای، آیین گذار و حتی موجودات وهمی و ابزار حماسی گاه با خشم و خروش متعصبانه - بیشتر در شعر اخوان - و گاه با نگاهی امیدوارانه و منطقی - شعر سیاوش کسرای - گاه به گونه مسالمت‌آمیز در کنار عناصر اسلامی - شعر شفیع کدکنی - و گاه با زبان نازش و افتخار - در اشعار طبری نیما یوشیج - حضور می‌یابند.

#### ج) ویژگی زبانی

از دیگر خصوصیات شعری شاعران این رساله - و حتی شاعران حماسه‌سرا و اسطوره‌پرداز معاصر - پیوند زبانی با ادبیات کهن است، در شعر این شاعران واژگان مهجور گذشته در کنار واژگان امروزی قرار می‌گیرند. این واژگان به گونه‌ای هنرمندانه و دقیق در کنار هم می‌نشینند که خواننده کمتر دچار دوگانگی زبانی می‌شود.

هر کدام از این شاعران، مهدی اخوان ثالث، سیاوش کسرای، محمدرضا شفیع کدکنی و نیما یوشیج، فراخور قدرت ادبی خود، با درهم تنیدن سبک‌های گذشته، به ویژه خراسانی، شیوه‌ای به اصطلاح «نو قدمایی» را پایه‌ریزی کردند.

غیر از کاربرد واژگان، از لحاظ ساختمان نحوی نیز از ادبیات گذشته سودها جستند، آنها در اشعار خود با ایجاد سکون، حرکت‌ها، قطع و وصل‌های کلامی، طنین خاص زبان حماسی را به شعر خود بخشیدند. در این شیوه اخوان ثالث بیش‌ترین بهره را از سبک خراسانی برده است. پس از وی به ترتیب سیاوش کسرایی، شفیعی کدکنی و نیما یوشیج قرار دارند.

#### (د) ستایش نیکی

از عوامل دیگر که سبب گردید تا زبان هر کدام از شاعران مقاله شکل و شمایل حماسی و به ویژه اسطوره‌ای به خود گیرد، ستایش نیکی، پاکی و نکوهش بدی و اهریمنی است. هر یک از شاعران این مقاله از آفت اهریمنی می‌هراسند و مردم را به سمت روشنایی اهورایی و روح زروانی دعوت می‌کنند. هر کدام با ترکیباتی نظیر شب دم کرده و دلتنگ، شب اهریمنی، روشنایی اهورایی و..... سعی می‌کنند تا جامعه خود را به ابتدایی‌ترین عواطف انسانی - که در دوره مقدس و بی‌گناهی وجود داشته - نزدیک نمایند.

### مقایسه عناصر حماسی در اشعار شاعران

#### مهدی اخوان ثالث

اخوان شیفته و دل‌باخته فرهنگ ایران قبل از اسلام است. این شیفتگی او را تا حد عشق‌ورزی و پناهندگی به رویاهای شیرین پیشین سوق می‌دهد. علاقه عمیق و باورمندانه به ایران باستان، زبان فخیم و باستان‌گرا، عشق و اشتیاق به شاهنامه و... سبب شد تا او علاقه عمیق به عناصر حماسی و ملی پیدا نماید.

توجه و التفات به عناصر حماسی از استوانه‌های اصلی ذهنی شاعر است در اشعار او نام بسیاری از شخصیت‌های حماسی ایران از پادشاهان، پهلوانان، حیوانات و حتی اشیاء و اماکن که به نوعی با حماسه مرتبط است حضور می‌یابند. اخوان از عناصری چون جمشید، کی قباد، کی کاووس، کی آرمین، کی پیشین، کاوه، نریمان، سام، زال، رستم، سهراب، بیژن، اسفندیار و... فراوان یاد می‌کند. وی در مقایسه با دیگر شاعران این مقاله هم از عناصر بیشتری بهره برده و هم از نظر کیفی (ناگاه امروزی و نوین) از دیگر شاعران پیشی جسته است.

□ فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی ❖ سال چهاردهم ❖ شماره ۳۲

**محمد رضا شفیعی کدکنی**

محمد رضا شفیعی کدکنی با به کارگیری عناصر حماسی و با استفاده از زبان نجیب خراسانی توانست رسالت اجتماعی خود را به درستی انجام دهد. اگرچه روحیه عاریتی و تقلیدگرایانه وی در مجموعه «شب خوانی» آشکار است اما عناصر حماسی با حشمت و هیبتی بزرگ در مجموعه های دیگر شعری وی نیز چهره می نماید. وی از عناصری چون کی خسرو، کی کاووس، زال، رستم، اسفندیار، سیاوش و... برای بیان اهداف بلند اجتماعی و انسانی خود سود می جوید و با به کارگیری این عناصر در کنار عناصر حماسی بعد از اسلام نظیر پوریای ولی، میرزا کوچک خان، خیابانی و... رویکردی تازه را برمی گزیند. شاعر زمان را در می نوردد و قبل و بعد از اسلام را از هم گسیخته نمی بیند و معتقد است که پهلوانان ایران می توانند در تمامی دوره ها در کنار یکدیگر در سطر سطر اشعارش تجلی نمایند.

**سیاوش کسرای**

در اشعار سیاوش کسرای عناصر حماسی و ملی فراوانی به چشم می خورد و وی با بهره گیری از پشتوانه هنری و نیازهای سیاسی و اجتماعی زمان خود از این عناصر بهره می گیرد. وی از مجموعه «آرش کمانگیر» به بعد زبان و لحن حماسی می یابد. گاه برای رجزخوانی و بیان مفاخره، گاه با التجا به گذشته باشکوه و گاه برای التیام آلام از آن عناصر مدد می گیرد و تصاویری زیبا می آفریند. در اشعارش عناصر حماسی نظیر آرش، رستم، سهراب، افراسیاب و... کم نیستند. وی بر عکس اخوان که دچار یأس و ناامیدی شده بود پیام های امیدبخش خود را که سرشار از زیبایی و وطن دوستی است ارایه می دهد.

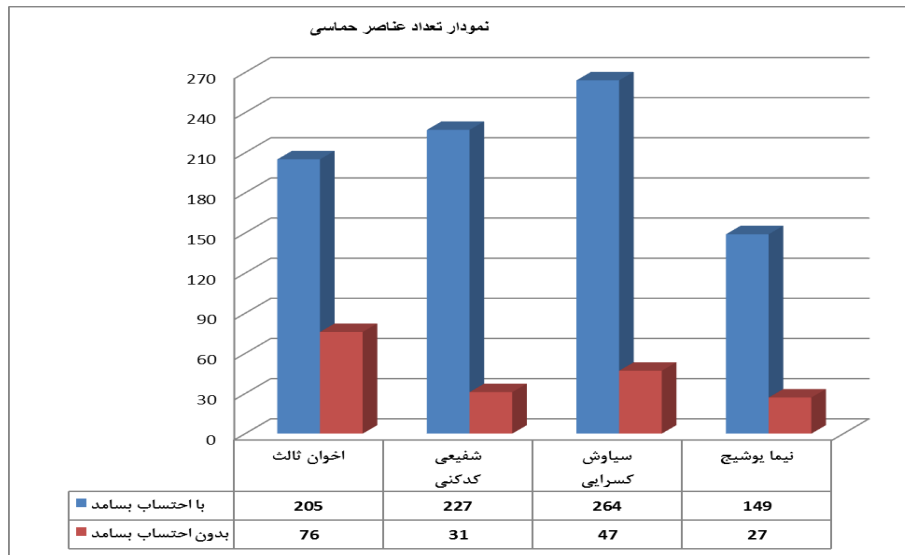
**نیما یوشیج**

نیما یوشیج بیشتر از هنر نواندیشی و مضمون آفرینی برخوردار است، با اینکه زبان و لحن حماسی در اشعار وی تجلی یافته اما مانند دیگر شاعران این مقاله، از کیفیت خاص که بتوان او را در زمره شاعران ترکیب ساز قرار داد، نیست. بیشتر عناصر حماسی وی ابزار حماسی نظیر تیر، کمان، شمشیر، خنجر و... است. عناصر حماسی مانند گسته هم، تور، بهمن و... با نگاهی کم عمق و گذرا جلوه می کنند و فرصت نشو و نما نمی یابند.

□ فصلنامه زیبایی شناسی ادبی ❖ سال چهاردهم ❖ شماره ۳۲

سخن پایانی در تحلیل نمودار زیر آن است که شاعران این مقاله از دریچه امروز به گذشته نگریسته‌اند. بنابراین از بسیاری از عناصر کهن برداشتی نو و امروزی دارند. از رستم «تختی»، از سهراب، بیژن و سیاوش «جوانان وطن»، از اهرمن «صدام یا حاکم ظالم»، از پهلوان شکست‌خورده «مصدق» و..... را در ذهن مخاطب تداعی می‌نمایند. این شاعران مقلدان صرف نیستند و به مقتضای حال و مقام نگاه و نظر نوینی دارند.

### نمودار



## نتیجه

پس از بررسی و واکاوی عناصر حماسی در شعر معاصر ایران آن چه که پیش از پیش مورد توجه قرار می‌گیرد آن است که شاعران پیشتاز معاصر ایران توانستند با بهره‌جویی از عناصر حماسی جایگاه و پایگاه معتبری به شعر خود ببخشند. زنده کردن یاد و خاطره ایران قبل از اسلام از استوانه‌های اصلی اندیشه شاعران این مقاله است، آن‌ها با التجا به گذشته پر رونق ایران قبل از اسلام با دستانی پر از حماسه و اسطوره‌های ملی می‌آیند، حال و گذشته را می‌سنجند و در مکاشفه‌ای الهام‌آمیز یافته‌های ذهنی خود را با عناصر ملی پیوند می‌زنند و با بیانی هنرمندانه و میناگرانه سمبل‌ها و نمادهایی زیبا می‌آفرینند. هر کدام از شاعران فراخور مایه‌های عمیق علمی، کلام فاخر ادیبانه، توانایی ذاتی در تطبیق و تطابق حوادث شگفت‌انگیز حماسه ملی با روزگار خود، گاه برای التیام آلام و گاه امید و آرزو مضامین زیبا می‌آفرینند.

شاعران معاصر از سرمایه‌های عظیم ملی نظیر جمشید، فریدون، کی‌کاوس، زال، رستم، سهراب، سیاوش و... سخن به میان می‌آورند تا هاله‌های مه گرفته و اندوه‌بار بی‌عدالتی و سرکوب‌ها را از دیدگان مردم بزدایند و تحرک و خیزش منفعل شده را سامان بخشند. در این میان اخوان در به‌کارگیری عناصر حماسی هم از نظر کمی - بسامد - و از نظر کیفی - مضامین نو و امروزی - پیشتاز است؛ پس از وی کسرای و شفیع‌کدکنی گاه به گونه گذرا و کم‌رنگ و گاه به مقتضای درنگ‌پذیری سیر منطقی و متوسطی دارند. در به‌کارگیری عناصر حماسی نیما یوشیج در رتبه چهارم قرار دارد. در شعر نیما عناصر حماسی نظیر گسته‌م، تور، بهمن و رستم شتابان می‌گذرند و فرصت نشو‌نما نمی‌یابند اما عناصر وهمی در کنار ابزار حماسی که میدان مبارزه را در ذهن داعی می‌کند، در چرخه مضمون‌آفرینی وی قرار می‌گیرند.

در پایان باید گفت که برخی از سروده‌های شاعران مورد بحث این مقاله، انبوهی از عناصر و مفاهیم حماسی را در خود گنجانده است و آن‌ها توانستند جلوه‌های باشکوهی از میراث نیاکان را به نمایش بگذارند به عنوان نمونه می‌توان در شعر اخوان از (خوان هشتم و آدمک)، (شهریار شهرسنگستان)، در شعر شفیع‌کدکنی می‌توان از هفت خوانی دیگر (آینه، ۱۲۱-۱۱۶)، آینه جم (همان، ۱۲۰-۱۲۳)، جاودان خرد (هزاره، ۱۷-۱۳)، در شعر سیاوش کسرای «آرش کمانگیر» و «مهره سرخ» و در شعر نیما یوشیج «مجموعه روجا» را نام برد.

## منابع و مأخذ

- ۱- ابتهاج، هوشنگ. از مقدمه خون سیاوش «سروده‌های سیاوش کسرای» . تهران: انتشارات نادر، ۱۳۴۱.
- ۲- اخوان ثالث، مهدی. آخر شاهنامه. تهران: انتشارات زمستان، چاپ پانزدهم، ۱۳۸۱.
- ۳- \_\_\_\_\_ . ارغنون. تهران: انتشارات مروارید، چاپ دوم، ۱۳۴۸.
- ۴- \_\_\_\_\_ . از این اوستا. تهران: انتشارات مروارید، چاپ اول، ۱۳۴۴.
- ۵- \_\_\_\_\_ . تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم. تهران: انتشارات مروارید، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.
- ۶- \_\_\_\_\_ . زمستان. تهران: انتشارات زمستان، چاپ هجدهم، ۱۳۸۱.
- ۷- \_\_\_\_\_ . سه کتاب (در حیاط کوچک پاییز در زندان، زندگی می‌گوید: اما باز باید زیست، دوزخ اما سرد). تهران: انتشارات زمستان، چاپ نهم، ۱۳۸۱.
- ۸- آشوری، داریوش، ناگه غروب کدامین ستاره، تهران (به اهتمام محمد قاسم زاده)، انتشارات بزرگمهر، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۹- براهنی، رضا، باغ بی‌برگی (به اهتمام مرتضی کاخی)، تهران: انتشارات زمستان، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
- ۱۰- بشر دوست، مجتبی. در جستجوی نیشابور. تهران: انتشارات ثالث، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
- ۱۱- بهبهانی، سیمین، باغ بی‌برگی (به اهتمام مرتضی کاخی)، تهران: انتشارات زمستان، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- ۱۲- زرین کوب، حمید. چشم انداز شعر نو فارسی. تهران: انتشارات کتاب زمان، چاپ دوم، ۱۳۵۸.
- ۱۳- زرین کوب، عبدالحسین، ناگه غروب کدامین ستاره (به اهتمام محمد قاسم زاده)، تهران: انتشارات بزرگمهر، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۱۴- شریفی، فیض. شعر زمان ما. انتشارات مروارید، چاپ اول، ۱۳۹۱.
- ۱۵- شفیعی کدکنی، محمدرضا. آینه‌ای برای صداها. تهران: انتشارات سخن، چاپ نهم، ۱۳۹۴.
- ۱۶- \_\_\_\_\_ . هزاره دوم آهوی کوهی. تهران: نشر سخن، ۱۳۷۶.
- ۱۷- \_\_\_\_\_ . ناگه غروب کدامین ستاره (به اهتمام محمد قاسم زاده)، تهران: انتشارات بزرگمهر، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۱۸- صفا، ذبیح‌الله. حماسه‌سرایی در ایران. تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۵۲.
- ۱۹- عابدی، کامیار. شبان بزرگ امید. انتشارات کتاب نادر، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۲۰- \_\_\_\_\_ . نقد هزاره دوم آهوی کوهی. جهان کتاب، ۵۷ و ۵۸.
- ۲۱- کسرای، سیاوش. مجموعه اشعار. انتشارات نگاه، چاپ چهارم، ۱۳۹۱.
- ۲۲- \_\_\_\_\_ . گزینه اشعار. انتشارات مروارید، چاپ دهم، ۱۳۹۳.
- ۲۳- لنگرودی، شمس (محمد تقی جواهری گیلانی). تاریخ تحلیلی شعر نو. تهران: انتشارات مرکز، جلد دوم، سوم و چهارم، چاپ دوم، ۱۳۷۸.

۲۴- محمدی، محمدرضا. آواز چگور. تهران: انتشارات ثالث، چاپ دوم، ۱۳۸۰.

۲۵- مددیان، پاک، طاهره، «رویکردی روایت شناسانه بر منظومه بلند مهره سرخ»، انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه هرمزگان، ۱۳۹۲.